

سبک‌های دل‌بستگی، فرایندهای تعامل زناشویی و رضایت زناشویی: مدل معادلات ساختاری (برازش مدل خانواده درمانی)

مختار عارفی^۱

هیأت علمی گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه

فرشاد محسن زاده

استادیار گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران

دریافت مقاله: ۹۱/۳/۹ پذیرش مقاله: ۹۱/۷/۵

چکیده

هدف: هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی ماهیت رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی و فرایندهای تعامل زناشویی (صمیمیت جنسی، مدیریت تعارض، ارتباط) و رضایت زناشویی است که از فنون معادلات ساختاری بهره می‌گیرد.

روش: این مطالعه از نوع هم‌بستگی بوده و از میان والدین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی و راهنمایی شهر کرمانشاه تعداد ۴۱۰ نفر (۱۵۰ مرد، ۲۶۰ زن) به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان مقیاس تجربه‌ی روابط نزدیک، مقیاس سازگاری زناشویی (اسپایتر، ۱۹۷۶) و پرسش‌نامه‌ی انریچ (اولسن و همکاران، ۱۹۸۷) را تکمیل کردند.

یافته‌ها: نتایج نشان دادند که سبک دل‌بستگی اجتنابی به طور مستقیم و معنادار بر رضایت زناشویی اثر (منفی) دارد. دو سبک دل‌بستگی اجتنابی و اضطرابی به واسطه‌ی فرایندهای تعامل زناشویی غیرمستقیم بر رضایت زناشویی اثر معنادار دارند. سه فرآیند تعاملی صمیمیت جنسی، مدیریت تعارض و ارتباط به طور مستقیم (مثبت) بر رضایت زناشویی اثر دارند.

نتیجه‌گیری: فرایندهای صمیمیت جنسی، مدیریت تعارض و ارتباط به عنوان میانجی‌گر رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی و رضایت زناشویی عمل می‌کنند و در مداخلات زناشویی می‌توانند آماج درمانی، مشاوران خانواده قرار گیرند.

کلید واژه‌ها: سبک‌های دل‌بستگی، صمیمیت جنسی، مدیریت تعارض، ارتباط، رضایت زناشویی

¹. arefi.2020@gmail.com

مقدمه

پژوهش‌های گوناگون تأیید کرده‌اند افراد موقعی که ازدواج می‌کنند عموماً شادتر و سالم تر هستند (گاتمن^۱، ۱۹۹۴؛ وایت^۲، ۱۹۹۴). در حالی که به نظر می‌رسد ازدواج رابطه‌ای بسیار دلنشین است، لیکن آمارهای فزاینده‌ی طلاق از آن حکایت می‌کند که رضایت زناشویی آسان به دست نمی‌آید یا دست کم همراه با مشکلات گوناگونی است. آمارهای منتشر شده در داخل کشور نسبت طلاق را ۱۲/۵ درصد اعلام کرده‌اند، یعنی به ازای هر ۷ ازدواج یک طلاق روی می‌دهد (سایت سازمان ثبت احوال، ۱۳۹۰).

هرچند مطالعه‌ی رضایت زناشویی پیشینه‌ی طولانی و مستندی دارد، آمارهای طلاق - هم‌چنان که ذکر شد حاکی از آن است که دانش ما در مورد شیوه‌های رسیدن به رضایت زناشویی و حفظ آن در سطحی بسنده و اطمینان‌آموز نیست، بسیار اندک است. به لحاظ تاریخی بیشتر پژوهش‌ها درباره‌ی رضایت زناشویی، روابط خطی ساده بین متغیرها را بررسی کرده‌اند. از جمله بر رابطه‌ی بین تعاملات زناشویی و رضایت زناشویی (کردک، ۱۹۹۵)، ویژگی‌های شخصیتی با رضایت زناشویی (لارسون و هولمن^۳، ۱۹۹۴) باورهای ناکارآمد شخصی با رضایت زناشویی (کردک، ۱۹۹۷)، سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی (کولینز^۴، ۲۰۰۸) تمرکز شده است. گرچه پژوهش‌های موجود در پی برآورد میزانی از واریانس رضایت زناشویی بوده‌اند، وجود مطالعاتی که در قالب مدل‌های پیچیده به تبیین ارتباط عوامل چندگانه با رضایت زناشویی بپردازند، ضروری است.

فرآیندهای تعاملی و رضایت زناشویی: مکی و ابرین^۵، (۱۹۹۵)، در مطالعه‌ی «ازدواج‌های پایدار» ازدواج را فرآیندی توصیف می‌کنند که در دوره‌ی جوانی به وقوع می‌پیوندد و به فرآیندهای تعامل زناشویی منجر می‌شود. فرآیندهای تعامل زناشویی رفتارهایی هستند که هم در بافت رابطه تحقق می‌یابند و هم بر پویایی‌هایی بین فردی، که در رابطه به تکامل می‌رسند و بر رضایت زناشویی اثر می‌گذارند. این مؤلفان پنج فرآیند تعاملی زیر را مشخص می‌کنند: (الف) تحدید تعارض^۶ (ب) تصمیم‌گیری مشارکتی (ج) کیفیت ارتباط (د) صمیمیت جنسی و روان‌شناختی (ه) ارج نهادن به اعتماد، احترام، درک هم‌دلانه و مساوات. لویس و اسپاینر (لویس و اسپاینر، ۱۹۷۶) نقل شده در روسن-گرندون، میرس و هیتی^۷، (۲۰۰۴) در کار خویش بر سه فرآیند تعامل زناشویی یعنی: توافق^۸، هم‌بستگی^۹ و ابراز عاطفی تمرکز کردند. پژوهشگران مختلف ترکیب‌های گوناگونی از تعاملات زناشویی را بررسی کرده‌اند. مکی و ابرین (۱۹۹۵) پنج فرآیند، لویس و اسپاینر (۱۹۷۶) سه و روسن-گرندون، میرس و هیتی (۲۰۰۴) هشت فرآیند تعاملی را مفهوم‌سازی کرده‌اند. از میان فرآیندهای تعامل زناشویی سه فرآیند ارتباط،

1. Gottman

2. White

3. Larson & Holman

4. Collins

5. Mackey & O' Brien

6. containment conflict

7. Rosen -Grandon, Myers, & Hattie

8. consensus

9. cohesion

مدیریت تعارض و صمیمیت جنسی ارتباط قوی تری با رضایت زناشویی داشته اند. لاورنس^۱ و همکاران (۲۰۰۸، نقل شده در بلاک^۲ و همکاران، ۲۰۱۰) با مروری جامع بر ادبیات روابط صمیمی در بین رشته‌های گوناگون (روان‌شناسی اجتماعی و بالینی، مطالعات ارتباط، مطالعات خانواده و جامعه‌شناسی) سه نوع رفتار دوتایی را به عنوان عوامل بالقوه خطرآفرین یا حفاظت‌کننده شناسایی کرده اند: (۱) مهارت‌های ارتباط (۲) مدیریت تعارض (۳) صمیمیت جنسی. لويس و اسپانیر^۳ (۱۹۷۹) با مرور پژوهش‌های سه دهه‌ی ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ نتیجه گرفتند که مهارت‌های ارتباطی به طور مثبتی با کیفیت ازدواج مرتبط هستند. پژوهش‌های بعدی نظیر (مارکمن^۴، ۱۹۹۱؛ اسمیت، ویویان و اولری^۵، ۱۹۹۱؛ گاتمن^۶، ۱۹۹۴) نشان دادند که الگوهای ارتباطی فعلی ملاک معتبری برای تمایز تمایز بین زوج‌های درمانده و غیردرمانده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد زوج‌هایی که به شیوه‌ی مصالحه تعارضات خویش را حل می‌کنند، رضایت زناشویی بیشتری را گزارش کردند (آبراهام و براین^۷، ۲۰۰۰؛ حسینی نسب و همکاران، ۱۳۸۸). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سطوح بالای رضایت جنسی با کیفیت و پایداری بیشتر روابط جنسی هم‌بسته است (اسپرینجر و کیت^۸، ۲۰۰۴). همچنین هاسیبروک و فهر^۹ (۲۰۰۲) در مطالعه‌ی تحلیل عامل نشان دادند رضایت جنسی یک مؤلفه‌ی عمده‌ی مدل کیفیت رابطه‌ی زناشویی است.

سبک‌های دل‌بستگی و رضایت زناشویی: نظریه‌ی دل‌بستگی نیز از طریق توجیه اهمیت ارتباط کودک-مراقب به درک اثرات درازمدت تجارب اولیه‌ی خانوادگی کمک کرده است. نظریه‌ی دل‌بستگی پیشنهاد می‌کند که ماهیت و کیفیت روابط صمیمی فرد در بزرگسالی قویاً با رویدادهای عاطفی دوران کودکی به‌ویژه ارتباط کودک-مراقب تحت تأثیر قرار می‌گیرد (کولنیز و رید^{۱۰}، ۱۹۹۰). سبک‌های دل‌بستگی به عنوان یکی دیگر از متغیرهای درون فردی اثرگذار بر رضایت زناشویی مورد توجه واقع شده است. نتایج عموماً نشان می‌دهد سطوح بالای رضایت زناشویی هنگامی اتفاق می‌افتد که هر یک همسران سبک دل‌بستگی ایمن داشته باشند (تربیکس^۹ و دیگران، ۲۰۰۴). دیباچی فروشانی و همکاران (۱۳۸۸) دریافتند بین سبک دل‌بستگی ایمن و رضایت زناشویی رابطه‌ی مثبت وجود دارد. نولر و فینی^{۱۰} (۱۹۹۴) دریافتند سبک‌های دل‌بستگی زن و شوهر، به میزان دقتی که آن‌ها پیام‌های غیرکلامی همدیگر را تفسیر می‌کنند بر ارتباطشان تأثیر می‌گذارند. برای مثال همسری با سبک دل‌بستگی ایمن با بیشترین دقت و صحت پیام‌های غیرکلامی همسرش را تفسیر می‌کند. این پژوهشگران اشاره می‌کنند که افراد با سبک دل‌بستگی ایمن دارای عاطفه تنظیم شده و سبک نایمن دارای عاطفه‌ی کنترل‌ناپذیر می‌باشند.

1. Iovrens

2. Black

3. Lewis, & Spanier

4. Markman

5. Smith, Vivian, & O'Leary

6. Abraham & Bruyne

7. Sprecher & Cate

8. Collins & Read

9. Treboux

10. Noller & Feeney

سبک‌های دل‌بستگی و فرایندهای تعاملی: تحول و تغییر سبک‌های دل‌بستگی از منظر ماهیت فرایندهای تعاملی قابل تأمل است. هم‌چنان که پیشتر ذکر شد، روابط سبک‌های دل‌بستگی و رضایت زناشویی به کرات تأیید شده است. از دگر سو پژوهش‌های متعدّد رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی با فرایندهای تعاملی (از جمله صمیمیت جنسی و شیوه‌های حلّ تعارض) را تأیید نموده‌اند. در حالیکه سطوح بالای رضایت زناشویی هنگامی اتفاق می‌افتد که هر دو همسر سبک دل‌بستگی ایمن داشته باشند (تریپکس و دیگران، ۲۰۰۴)، مهارت در صمیمیت جنسی و رضایت از رابطه‌ی جنسی بخش لاینفک ازدواجهای شاد و رضایت بخش است. در بحث راهبردهای دل‌بستگی و رفتار تقرّب‌جویی میکولینسر و شیور^۱ (۲۰۰۷) این‌گونه نظر می‌دهند که افراد دل‌بسته‌ی ایمن در روابط خویش تجارب جنسی مثبت و رضایت جنسی را گزارش کرده‌اند. پژوهش‌هایی چند نشان داده‌اند وجود سبک دل‌بستگی اضطرابی به کاهش رابطه‌ی جنسی می‌انجامد (بیرن‌بام^۲ و همکاران، ۲۰۰۷؛ فینی و دیگران، ۱۹۹۹؛ فینی و نولر، ۲۰۰۴). مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد افراد اجتنابی از فعالیت جنسی با شریک خویش دوری می‌گزینند (فینی، ۲۰۰۰).

پژوهش‌های مختلف رابطه‌ی سطوح تعارض و اختیار شیوه‌ی خاص حلّ تعارض از روی سبک‌های دل‌بستگی را بررسی نموده‌اند. کوبک و دیومیلر^۳ (۱۹۹۴) بیان می‌دارند موقعیت‌های متعارض و تنش‌زا به خوبی سبک‌های دل‌بستگی فرد را فعال می‌سازد و در موقع برخورد با تعارض سبک دل‌بستگی فرد آشکار می‌گردد. پژوهش‌های متعدّد رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی و شیوه‌ی حلّ تعارض را تأیید نموده‌اند. افرادی که سبک‌های دل‌بستگی ایمن، تعارض خویش را به بحث می‌گذارند (کریزی و لید، ۲۰۰۵؛ کولینز و دیگران، ۲۰۰۶؛ پیستول و آریکل^۴، ۲۰۰۳). بر خلاف افراد با دل‌بستگی ایمن، افراد دل‌بسته‌ی نایمن در تعارضات کاملاً مقاوم برخورد می‌کنند (کریزی و لید^۵، ۲۰۰۵)، در واقع هم افراد دل‌بسته‌ی اجتنابی و هم اضطرابی سطوح بالای منفی‌کاری را در طیب حلّ تعارض گزارش کرده‌اند (کریزی، کیرشو و بوستون^۶، ۱۹۹۹ نقل شده در کولینز و دیگران، ۲۰۰۶). به طور ویژه افراد با سبک دل‌بستگی اجتنابی در تعارضات سلطه‌جویانه برخورد می‌کنند و تمایل دارند هر چه سریع‌تر بحث را خاتمه دهند (کریزی و لید، ۲۰۰۵)، افراد اضطرابی در موقع تعارض با همسر خویش، سطح بالای ستیزه‌جویی (کریزی و لید، ۲۰۰۵)، سرزنش، تهدید و منفی‌کاری (فینی، نولر، ۲۰۰۴) را به‌کار می‌گیرند.

1. Mikulincer & Shaver

2. Birnbaum

3. Kobak & Duemmler

4. Pistole & Arricale

5. Creasy & Ladd

6. Kershaw & Boston

بر اساس مرور فشرده‌ی ادبیات رضایت زناشویی یک مدل مفهومی پیشنهاد می‌شود که فرض می‌کند رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی را سه فرآیند تعامل زناشویی (مدیریت تعارض، ارتباط و صمیمیت جنسی) میانجی خواهند کرد، هر چند رابطه‌ی مستقیم خود همین متغیرها با رضایت زناشویی به خاطر نتایج متفاوت و گاه متناقض مورد نظر خواهد بود. از طرف دیگر آن‌چه انجام این پژوهش را ضروری ساخت آمار بالای طلاق در شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۰، که به ازای هر ۶ ازدواج ۱ طلاق ثبت شده است (سایت سازمان ثبت احوال، ۱۳۹۰) و کمبود پژوهش‌هایی در داخل کشور که روابط رضایت زناشویی با سبک‌های دل‌بستگی را در قالب مدل معادلات ساختاری بررسی کرده باشند (عموماً به روابط رگرسیونی بسنده شده است).

از این رو سؤالی که وجود دارد این است آیا سبک‌های دل‌بستگی مستقیماً با رضایت زناشویی رابطه دارند یا از طریق اثرگذاری بر فرآیندهای تعاملی چنین رابطه‌ای شکل می‌گیرد و این که چگونه فرآیندهای تعاملی زناشویی رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی با رضایت زناشویی را میانجی خواهند کرد؟ به منظور آزمون مفروضه‌های نظری این مدل چندین نوع ارزیابی در این پژوهش انجام خواهد شد: (۱) پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دل‌بستگی، و فرآیندهای تعامل زناشویی (۲) نقش واسطه‌ای فرآیندهای تعاملی در روابط سبک‌های دل‌بستگی با رضایت زناشویی.

فرضیه‌های پژوهش: سبک‌های دل‌بستگی به طور مستقیم می‌توانند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند. فرآیندهای تعاملی به طور مستقیم می‌توانند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند. سبک‌های دل‌بستگی به طور غیر مستقیم به واسطه‌ی عامل ارتباط می‌توانند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند. سبک‌های دل‌بستگی به طور غیر مستقیم به واسطه‌ی صمیمیت جنسی می‌توانند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند. سبک‌های دل‌بستگی به طور غیر مستقیم به واسطه‌ی مدیریت تعارض می‌توانند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند.

روش

با توجه به این که هدف پژوهش حاضر ارزیابی مدل پیش‌بینی رضایت زناشویی بود و سعی شد ماهیت رابطه‌ی متغیر پیش بین (سبک‌های دل‌بستگی) و متغیر ملاک (رضایت زناشویی) با میانجی‌گری فرآیندهای تعاملی (صمیمیت جنسی، مدیریت تعارض و ارتباط) مشخص شود، روش پژوهش پیمایشی و از طرح نوع هم-بستگی است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل زنان و مردان متأهل کرمانشاهی بودند که در سال ۱۳۹۰ در شهر کرمانشاه زندگی می‌کردند و دارای حداقل یک فرزند بودند و ازدواج آنها ازدواج مجدد نباشد. به منظور تعیین نمونه از شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد. افراد نمونه والدین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی و راهنمایی مدیریت آموزش و پرورش ناحیه‌ی یک شهر کرمانشاه بودند. برای شناسایی افراد از تعداد ۲۷ مدارس ابتدایی و ۲۶ راهنمایی پسرانه ناحیه‌ی یک، تعداد ۵ مدرسه ابتدایی و ۵ مدرسه راهنمایی به قید قرعه و تعداد ۱۰ کلاس ابتدایی و ۱۰ کلاس راهنمایی به طور تصادفی انتخاب شدند. با هماهنگی مدیر مدرسه اولیای دانش‌آموزان هر مدرسه در جلسه‌ای به مدرسه دعوت شدند و افرادی که از قبل ازدواجی دیگر نکرده و هم‌اکنون نیز در تمارک‌ها یا

در حال طلاق نبودند و داوطلب به همکاری بودند، انتخاب می‌شدند. بر این اساس تعداد نمونه ۴۵۰ نفر زن و مرد تعیین گردید. که در نهایت اطلاعات تعداد ۴۱۰ نفر (۱۵۰ مرد، ۲۶۰ زن) وارد تجزیه و تحلیل شدند.

ابزارها: مقیاس سازگاری زناشویی^۱ توسط اسپاینر (۱۹۷۶) به عنوان نسخه اصلاحی مقیاس سازگاری زناشویی لاک-والیس^۲ معرفی شد. این ابزار ۳۲ سؤالی روایی محتوایش توسط هیأتی سه نفره از داوران تأیید شد و روایی ملاکی آن با قدرت تشخیص در جداسازی افراد متأهل از مطلقه، متأهل از زندگی مشترک، همجنس-گرا از دگرجنس‌خواه و تفاوت‌های زوج‌های بچه دار از بدون فرزند تأیید گردید (اسپاینر، ۱۹۸۹). روایی سازه از طریق استفاده از آن در بیش از ۱۰۰۰ مطالعه و روایی همگرایی آن به واسطه‌ی رابطه‌اش با مقیاس سازگاری زناشویی لاک-والیس ($r=0/86$) مورد تأیید واقع شده است (فوریس^۳، ۱۹۹۰). در این پژوهش ضریب آلفای همسانی درونی برای کل مقیاس در نمونه‌ی ۴۱۰ نفری ۰/۸۴۴ به دست آمد.

پرسش‌نامه‌ی انریچ: پربارسازی و تقویت رابطه، ارتباط و خشنودی: پرسش‌نامه‌ی انریچ توسط اولسون، فورنیر و دارکمن^۴ (۱۹۸۲ نقل شده در ثنایی، ۱۳۸۷) تدوین شده است و شامل ۱۱۵ ماده می‌باشد، که از ۱۲ خرده مقیاس تشکیل یافته است. پاسخ به ماده‌ها به روش لیکرت و به صورت ۵ گزینه‌ای (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) است. نمره گذاری این پرسش‌نامه به ترتیب ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ است. به علاوه، تعدادی از ماده‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند، و حداقل و حداکثر نمره به ترتیب ۴۷ و ۲۳۵ است. اولسون و همکاران (۱۹۸۲) ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه را ۰/۹۲ به دست آوردند، که بیانگر همگونی ماده‌های این ابزار اندازه‌گیری است (ثنایی، ۱۳۸۷). در این پژوهش ضریب پایایی آلفای کرونباخ پرسش‌نامه رضایت زناشویی در کل نمونه ۰/۹۰ به دست آمد، از پرسش‌نامه‌ی انریچ برای فرآیندهای تعامل زناشویی خرده مقیاس‌های (۱) مدیریت تعارض، (۲) صمیمیت روان‌شناختی و جنسی و (۳) ارتباط و برای رضایت زناشویی خرده‌مقیاس رضایت زناشویی به‌کارگرفته شدند.

فرآیندهای تعامل زناشویی: در این پژوهش فرآیندهای تعامل زناشویی شامل مدیریت تعارض، صمیمیت جنسی و ارتباط بودند. تعاریف عملیاتی برای این سه فرآیند با استفاده پرسش‌نامه اینریچ فراهم شد. مدیریت تعارض: سؤال‌های این خرده‌مقیاس، پذیرا بودن و تمایل فرد در حل تعارض را به طور سازنده نشان می‌دهند. زوج‌هایی که نگرش واقع‌بینانه‌ای نسبت به تعارضات رابطه‌ای دارند عموماً شیوه‌ای کارآمد را برای حل مشکلات پیش می‌گیرند (اولسون و دیگران، ۱۹۸۲، نقل شده در ثنایی، ۱۳۸۷). ضریب آلفای همسانی درونی برای عامل حل تعارض ۰/۷۵ در یک نمونه‌ی ۱۳۴۴ نفره گزارش شده است. پایایی به شیوه‌ی آزمون-بازآزمون در نمونه‌ای ۱۱۵ نفره بعد از چهار هفته ۰/۹۰ به دست آمده است. در این پژوهش ضریب آلفای همسانی درونی برای این خرده مقیاس در نمونه ۴۱۰ نفری ۰/۷۴۲ به دست آمد.

1. dyadic adjustment scale

2. Locke.Wallace

3. Fowers

4. ENRICH: Enriching and Nurturing Relationship Issues, Communication and Happiness

5. Olson, Fornier & Druckman

صمیمیت جنسی. سومین خرده مقیاسی که از مقیاس اینریچ، استفاده شده "رابطه‌ی جنسی" است. این خرده-مقیاس راحتی در بیان عواطف، راحتی در بحث درباره‌ی مسائل جنسی، نگرش نسبت به رفتارهای جنسی و عمل جنسی را منعکس می‌کند. ضریب آلفای همسانی درونی این خرده‌مقیاس ۰/۴۸ و ضریب پایایی آزمون-بازآزمون در میان ۶۷۲ زوج ۰/۹۲ برآورد شده است. در این پژوهش ضریب آلفای همسانی درونی برای این خرده‌مقیاس در نمونه ۴۱۰ نفری ۰/۸۳ به دست آمد.

ارتباط. در خرده مقیاس ارتباط اینریچ، ماده‌ها بر موارد زیر تمرکز دارند (۱) توانایی همسران در میان نهادن باورها و عواطف با همدیگر (۲) درک فزاینده از چگونگی برقراری ارتباط همسر (۳) داشتن ارتباطی مؤثر با همسر. ضریب آلفای همسانی درونی ۰/۶۸ گزارش شده و پایایی آزمون-بازآزمون ۰/۹۰ به دست آمده است (اولسن و دیگران، ۱۹۸۲، نقل شده در ثنایی، ۱۳۸۷). در این پژوهش ضریب آلفای همسانی درونی برای این خرده‌مقیاس در نمونه ۴۱۰ نفری ۰/۸۱۸ به دست آمد.

رضایت زناشویی. برای سنجش متغیر ملاک از مجموع نمرات خرده‌مقیاس رضایت زناشویی مقیاس سازگاری زناشویی اسپاینر و خرده‌مقیاس رضایت زناشویی پرسش‌نامه‌ی اینریچ استفاده شد. اسپاینر (۱۹۸۹) برای این خرده‌مقیاس دامنه‌ی از ضرایب آلفا (۰/۹۴-۰/۷۷) و میزان پایایی آزمون-بازآزمون ۰/۹۲ را بعد از ۱۱ هفته گزارش کرد. در این پژوهش ضریب آلفای همسانی درونی برای این خرده‌مقیاس در نمونه‌ی ۴۱۰ نفری ۰/۸۱۱ به دست آمد. برای خرده‌مقیاس رضایت زناشویی اینریچ ضریب آلفای همسانی درونی ۰/۸۱ و نمره‌ی پایایی آزمون-بازآزمون ۰/۸۶ گزارش شده است (اولسن و دیگران، ۱۹۸۲). در این پژوهش ضریب آلفای همسانی درونی برای این خرده‌مقیاس در نمونه‌ی ۴۱۰ نفری ۰/۸۳۲ به دست آمد.

مقیاس تجربه‌ی روابط نزدیک^۱ (ECR). ابزاری که برای اندازه‌گیری سبک‌های دل‌بستگی به کار برده شد، مقیاس تجربه‌ی روابط نزدیک بود که توسط برنن^۲، کلارک و شیور در سال (۱۹۹۸) طراحی شده است. این ابزار بر مبنای نظریه‌ی بارثولومئو در زمینه‌ی سبک‌های چهارگانه‌ی دل‌بستگی طراحی شده است. این پرسش‌نامه بر اساس پژوهش‌های قبلی اعتبار خوبی (آلفای کرنباخ ۰/۸۹ تا ۰/۹۴) را کسب کرده است و و طی سه هفته بازآزمایی ضریب اعتبار ۰/۹۰ تا ۰/۹۵ برای آن گزارش شده است. همچنین این پرسش‌نامه از یک روایی سازه‌ی قوی برخوردار است (برنن و دیگران، ۱۹۹۸). فرم کوتاه ECR شامل ۱۲ ماده از نسخه‌ی اصلی (۳۶ ماده‌ی) است. وی^۳ و همکاران (۲۰۰۷) مدعی هستند طی ۶ مطالعه‌ی جداگانه یک ساختار عاملی پایدار همسانی درونی قابل قبول، پایایی آزمون - باز آزمون و روایی‌سازه را برای فرم کوتاه به دست آورده‌اند و خصیصه‌های روان-سنجی آن با نسخه‌ی ۳۶ ماده‌ی برابر می‌کند فرم کوتاه دارای ۶ ماده برای سبک دل‌بستگی اجتنابی و ۶ ماده برای سبک دل‌بستگی اضطرابی است. ضرایب آلفای همسانی درونی از ۰/۷۷ تا ۰/۸۶ برای خرده‌مقیاس اضطراب و ۰/۸۷ تا ۰/۸۹ برای خرده-مقیاس اجتناب به دست آمده، پایایی آزمون - بازآزمون مناسبی (اجتناب ۰/۸۳=۲ و اضطراب ۰/۸۰=۲) طی یک ماه نیز حاصل شد. شواهد برای روایی سازه نشان داد ارتباط مثبتی بین

1. The experience in close relationship scale

2. Brennan

3. wei

دل‌بستگی اضطرابی و اطمینان طلبی مفراط^۱ وجود دارد. هم‌چنین بین سبک دل‌بستگی اجتنابی فرم کوتاه با ترس از صمیمیت و راحتی در خود افشایی، رابطه منفی وجود داشت. از طرف دیگر بین هر دو سبک اجتنابی-اضطرابی با درماندگی روان‌شناختی ارتباط مثبت گزارش شده است (وی و دیگران ۲۰۰۷). در این پژوهش ضریب آلفای همسانی درونی برای دو خرده مقیاس اجتنابی و اضطرابی در نمونه ۴۱۰ نفری به ترتیب ۰/۷۸۵ و ۰/۵۰۱ به دست آمد.

به منظور رعایت اصول اخلاقی در هنگام اجرای پرسش نامه‌ها به شرکت کنندگان اعلام شد از طریق تلفن و ایمیل می‌توانند از نتایج کلی و فردی پرسش‌نامه‌ها اطلاع داشته باشند.

یافته‌ها

میانگین سنی شرکت کنندگان ۳۲/۵۲ با انحراف استاندارد ۷/۰۶ با دامنه‌ی سنی ۲۳ تا ۵۵ سال بود. میانگین سنی و انحراف استاندارد زن و مرد به ترتیب (۳۱/۲۵، ۶/۷۵) و (۳۴/۸۱، ۷/۰۴) گزارش شد. میانگین سنی افراد در موقع ازدواج ۲۳/۴۱ با انحراف استاندارد ۴/۲۳ بود. ۶۲/۵ درصد شرکت کنندگان در موقع اجرای پرسش‌نامه‌ها دارای یک فرزند، ۲۸/۲ درصد، دو فرزند؛ ۸/۳ درصد، سه فرزند و کمتر از یک درصد چهار و بیش از چهار فرزند داشتند. ۴۴/۹ درصد از افراد دارای تحصیلات دیپلم یا زیر دیپلم؛ ۵۱/۶ درصد، کاردانی یا کارشناسی و ۳/۵ درصد تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر داشتند. ۳۲/۹ درصد شرکت کنندگان دارای شغل دولتی؛ ۲۱/۱ درصد شغل آزاد؛ ۴۲/۶ درصد خانه دار و ۳/۵ درصد دانشجو بودند. مذهب ۹۱/۹ درصد از افراد نمونه پژوهش تشیع و ۸/۱ درصد تسنن بود و ۹۰/۳ درصد همسری شیعه و ۹/۷ همسر سنی داشتند. ۶/۹ درصد افراد درآمد ماهیانه‌ی خانواده را زیر ۳۰۰۰۰۰ تومان؛ ۲۸/۹ درصد سطح ۵۰۰۰۰۰-۳۰۰۰۰۰۰ تومان؛ ۴۳/۵ درصد طبقه ۱۰۰۰۰۰۰-۵۰۰۰۰۰۰ تومان و ۲۰/۶ درصد درآمد ماهیانه‌ی بیش از یک میلیون تومان را گزارش نمودند

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها شاخص‌ها	رضایت زناشویی	مدیریت تعارض	صمیمیت جنسی	ارتباط اجتنابی	دل‌بستگی اجتنابی	دل‌بستگی اضطرابی
میانگین	۷۱/۱۶	۳۲/۳۰	۳۹/۴۸	۳۷/۲۵	۱۳/۹۰	۲۳/۰۸
انحراف استاندارد	۱۱/۴۲	۶/۵۲	۷/۱۱	۷/۲۳	۵/۹۷	۶/۳۰

به منظور آگاهی از میانگین عملکرد و پراکندگی نمرات شرکت کنندگان در هر یک از متغیرها شاخص‌های میانگین، انحراف معیار در کل گروه در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۲. ضرایب هم‌بستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. رضایت زناشویی	-					
۲. مدیریت تعارض	۰/۶۶*	-				
۳. صمیمیت جنسی	۰/۷۵*	۰/۵۷	-			
۴. ارتباط	۰/۷۹*	۰/۶۸	۰/۶۹	-		
۵. دل‌بستگی اجتنابی	۰/۶۸*	۰/۵۰	۰/۶۳	۰/۶۸	-	
۶. دل‌بستگی اضطرابی	۰/۴۴*	۰/۴۵	۰/۴۷	۰/۴۵	۰/۳۸	-

★: $p < ۰/۰۰۱$

در جدول ۲ ضرایب هم‌بستگی پیرسون مرتبه‌ی صفر دو به دو متغیرهای پژوهش گزارش شده است. نتایج در جدول ۲ نشان می‌دهد بین سبک دل‌بستگی اجتنابی با رضایت زناشویی ($r = -۰/۶۸, p < ۰/۰۰۱$) و سبک دل‌بستگی اضطرابی با رضایت زناشویی ($r = -۰/۴۴, p < ۰/۰۰۱$) هم‌بستگی منفی معنادار وجود دارد. نتایج حاکی از تأیید این فرضیه در نمونه‌ی کل در جهت پیش‌بینی شده است.

نتایج در جدول ۲ نشان می‌دهد هم‌بستگی‌های بین رضایت زناشویی با فرآیندهای تعاملی تعارض ($p < ۰/۰۰۱$)، صمیمیت جنسی ($r = ۰/۶۶$)، صمیمیت جنسی ($r = ۰/۷۵, p < ۰/۰۰۱$) و ارتباط ($r = ۰/۷۹, p < ۰/۰۰۱$) همه در حد بالا و در جهت پیش‌بینی شده و به طور آماری معنادار بودند. این روابط حاکی از این است که فرآیندهای تعاملی می‌توانند یکی از متغیرهای اساسی در تأمین رضایت زناشویی باشند. به نظر می‌رسد با افزایش صمیمیت جنسی، ارتباط مثبت زوجین و به کارگیری مکانیسم حل تعارض رضایت زناشویی نیز افزایش پیدا می‌کند؛ اما این که آیا فرآیندهای تعاملی صرفاً اثر اصلی بر رضایت زناشویی دارند یا به عنوان یک مکانیسم میانجی بین مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل و رضایت زناشویی عمل می‌کنند، در قسمت مدل ساختاری به آن خواهیم پرداخت.

آزمون مدل فرضی: همان‌گونه که قبلاً اشاره شد هدف اصلی این پژوهش دستیابی به فهم روشنی از چگونگی تأثیر سبک‌های دل‌بستگی، بر رضایت زناشویی به واسطه‌ی فرآیندهای تعاملی است. آزمون مدلی که به این منظور طراحی شده است نشان خواهد داد که آیا اصلی‌ترین فرضیه‌ی این پژوهش - برآزش مدل با داده‌های به دست آمده از نمونه‌ی مورد مطالعه - تأیید خواهد شد؟ اگر چه روابط ساده بررسی شده در قبل بین متغیرها برخی از نکات را برای ما آشکار کرد اما روابط پیچیده و چندگانه‌ی بین متغیرها می‌تواند از طریق یک مدل ساختاری آشکار شود.

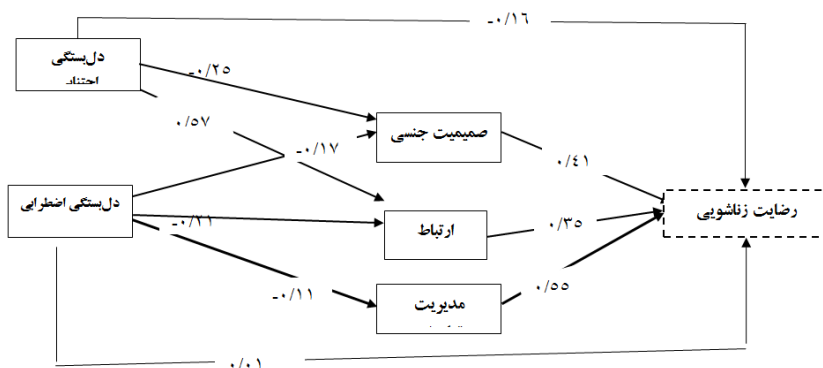
جدول ۳. شاخص‌های نیکویی برازش برای مدل مفروض

شاخص‌ها	χ^2	χ^2/df	GFI	AGFI	CFI	NNFI	RMSEA	RMSR
مدل	۱۱/۴۷	۱/۱۴۷	۱/۰۰	۰/۹۶	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۱

مدل مفهومی فرضی با داده‌های حاصل از نمونه‌ی مورد مطالعه برازش دارد.

نتایج تحلیل مسیر بر پایه‌ی ماتریس هم‌بستگی بین متغیرها نشان داد که مدل، همان گونه که در شکل ۱ نشان داده شده است، برازش بسیار خوبی با داده‌ها دارد. ارزش شاخص‌های برازش در جدول ۳ ارائه شده است. چهار شاخص GFI، AGFI، CFI و NNFI یک یا نزدیک به یک هستند و دو شاخص RMSEA و RMSR کمتر از ۰/۰۵ هستند. در این مدل سه فرآیند تعاملی به عنوان متغیرهای واسطه‌ای عمل می‌کنند که به خوبی توانسته‌اند بین سبک‌های دل‌بستگی با رضایت زناشویی نقش واسطه‌ای خود را ایفا کنند. در ادامه، در خصوص روابط فرضی متغیرها بحث می‌شود.

شکل ۱. ضرایب مسیر (بارهای عاملی) استاندارد شده اثرات مستقیم متغیرهای مدل



جدول ۴. اثرهای مستقیم، غیر مستقیم و کل استاندارد متغیرها پیش بین بر روی رضایت زناشویی، تعارض، صمیمیت جنسی و ارتباط

مسیر	اثر مستقیم	غیرمستقیم	اثر کل
اجتنابی ← رضایت زناشویی	*-۰/۱۶*	*-۰/۴۰*	*-۰/۵۶*
اضطرابی ← رضایت زناشویی	۰/۰۱	*-۰/۱۹*	*-۰/۱۸*
اجتنابی ← صمیمیت جنسی	*-۰/۲۵*	*-۰/۲۳*	*-۰/۴۹*
اجتنابی ← ارتباط	*-۰/۵۷*	-	*-۰/۵۷*
اجتنابی ← مدیریت تعارض	-۰/۰۲	-۰/۳۲	-۰/۳۳
اضطرابی ← صمیمیت جنسی	*-۰/۱۷*	-۰/۰۹	-۰/۲۶
اضطرابی ← ارتباط	*-۰/۲۱*	-	*-۰/۲۱*
اضطرابی ← مدیریت تعارض	*-۰/۱۱*	-۰/۱۲	-۰/۲۳
صمیمیت جنسی ← رضایت زناشویی	*۰/۴۱*	-	-
ارتباط ← رضایت زناشویی	*۰/۳۵*	-	-
مدیریت تعارض ← رضایت زناشویی	۰/۵۵	-	-

★: $p < ۰/۰۰۱$

همچنان که در جدول ۴ آمده، اثر مستقیم دل‌بستگی اجتنابی به رضایت زناشویی منفی و معنادار $\gamma = -0/16$ است که در جهت پیش بینی شده قرار دارد و اگر چه بسیار پایین‌تر اما با ضریب هم‌بستگی ساده بین دو متغیر مطابقت دارد. اثر مستقیم دل‌بستگی اضطرابی به رضایت زناشویی معنادار نیست ($\gamma = -0/01$) و با هم‌بستگی دو متغیر ناهمخوان است. این ناهمخوانی ممکن است نشانگر این باشد که دل‌بستگی اضطرابی به طور غیرمستقیم و به واسطه‌ی فرآیندهای تعاملی قادر به پیش‌بینی رضایت زناشویی است. مسیرهای غیرمستقیم دل‌بستگی اجتنابی $-0/40$ و دل‌بستگی اضطرابی $-0/19$ به رضایت زناشویی منفی و معنادار هستند. در یک جمع‌بندی، به نظر می‌رسد دو سبک دل‌بستگی به طور مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند واریانس رضایت زناشویی را تبیین کنند. این نتایج به جز در یک مورد (اثر مستقیم دل‌بستگی اضطرابی به رضایت زناشویی) از فرضیه‌ی مد نظر حمایت کرد. در این مدل مسیرهای دیگری وجود داشت که مؤید فرضیه‌ی حاضر بود و لازم به توضیح است. اثر مستقیم از دل‌بستگی اجتنابی به ارتباط $\gamma = -0/57$ و از دل‌بستگی اضطرابی به ارتباط $\gamma = -0/21$ است که هر دو معنادار هستند. اثرهای مستقیم هر دو سبک دل‌بستگی به صمیمیت جنسی منفی و معنادار است که برای دل‌بستگی اجتنابی $\gamma = -0/25$ و برای دل‌بستگی اضطرابی $\gamma = -0/17$ می‌باشد. به علاوه، سبک دل‌بستگی اضطرابی به طور منفی و معنادار با تعارض $\gamma = -0/11$ مرتبط است اما سبک دل‌بستگی اجتنابی اثر مستقیم معناداری با تعارض ندارد ($\gamma = -0/02$).

بر اساس نتایج در جدول ۴ مسیر مستقیم فرآیند تعاملی ارتباط به رضایت زناشویی $\beta = 0/35$ است. این مقدار به لحاظ آماری معنادار و هم‌خوان با ضریب هم‌بستگی ساده بین این دو متغیر است. مسیرهای مستقیم مدیریت تعارض و صمیمیت جنسی به رضایت زناشویی به ترتیب $\beta = 0/55$ ، $\beta = 0/41$ و به لحاظ آماری معنادار هستند ($p < 0/001$). این مسیرها نیز با ضرایب هم‌بستگی دو به دو متغیرها ذکر شده در بالا مطابقت دارد.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی ماهیت رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی و رضایت زناشویی با میانجی‌گری سه فرآیند تعاملی ارتباط، مدیریت تعارض و صمیمیت جنسی بود. در بیشتر موارد مدل انتظارات پژوهشگر را برآورده ساخت.

فرضیه‌ی نخست پژوهش فرض می‌کند سبک‌های دل‌بستگی به گونه‌ی مستقیم و از خلال فرآیندهای تعاملی به طور غیر مستقیم می‌توانند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند. بر اساس مدل ساختاری به‌دست آمده مسیر غیرمستقیم سبک‌های دل‌بستگی به رضایت زناشویی معنادار بود. به عبارتی نمرات بالا در دو سبک دل‌بستگی اجتنابی و اضطرابی باعث کاهش صمیمیت جنسی و درنهایت رضایت زناشویی پایین خواهد شد. در بحث راهبردهای دل‌بستگی و رفتار تقریب جویی میکولینسر و شیور (۲۰۰۷) این‌گونه نظر می‌دهند که افراد دل‌بسته ایمن در روابط خویش تجارب جنسی مثبت و رضایت جنسی را گزارش نموده‌اند. فینی و نولر (۲۰۰۴) با بسط موضوع این‌گونه تبیین می‌کنند که افراد با دل‌بستگی ایمن در روابط جنسی راحت‌تر بوده و با گشاده‌رویی بیشتر از فعالیت جنسی خویش لذت می‌برند. در راستای نتایج پژوهش حاضر، پژوهش‌هایی چند نشان داده‌اند افراد دارای دل‌بستگی اضطرابی، با همسر خویش رابطه‌ی جنسی پایین و ناخوشایندی را گزارش کرده‌اند (بیرنهام، ۲۰۰۷؛ فینی دیگران، ۱۹۹۹؛ فینی و نولر، ۲۰۰۴). در مورد افراد با دل‌بستگی اجتنابی که نظام دل‌بستگی انفعالی را پیشه

می‌کنند، فرض می‌شود به خاطر ناراحتی از صمیمیت و اجتناب از آن، روابط جنسی آنها، ناخوشایند و ارضاناکنده خواهد بود (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷). نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که عامل مهم صمیمیت جنسی به خوبی رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی و رضایت زناشویی را میانجی می‌کند، این بدان معناست که افراد دل‌بسته مضطرب و اجتنابی، به علت درگیری کمتر در روابط جنسی موجبات نارضایتی زناشویی خویش را فراهم می‌آورند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد سبک‌های دل‌بستگی به واسطه‌ی فرآیند تعاملی مدیریت تعارض به طور غیرمستقیم می‌توانند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند. به عبارتی عامل مدیریت تعارض نیز توانست به طور معناداری در رابطه‌ی میان سبک‌های دل‌بستگی و رضایت زناشویی وساطت کند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد مدیریت تعارض از طرفی با هر دو سبک دل‌بستگی اجتنابی و اضطرابی رابطه‌ی منفی معنادار و از طرف دیگر مسبب، با رضایت زناشویی رابطه‌ی مثبت معنادار داشت (شکل ۱). پژوهش‌های قبلی همسو با یافته‌های پژوهش حاضر رابطه‌ی منفی مدیریت تعارض و سبک‌های دل‌بستگی نایمن را گزارش نموده‌اند (کولینز و دیگران، ۲۰۰۶؛ پیستول و آریکل، ۲۰۰۳). کریزی و لید^۱ (۲۰۰۵) این‌گونه بحث می‌کنند افراد با دل‌بستگی نایمن به همان اندازه که تعارض را یک تهدید بدانند، یک موضع حفاظی اختیار می‌کنند. در واقع هم افراد دل‌بسته اجتنابی و هم اضطرابی سطوح بالای منفی‌کاری را در طی حل تعارض گزارش کرده‌اند (کریزی، کیرشو و بوستون^۳، ۱۹۹۹، نقل شده در کریزی و لید، ۲۰۰۵). از این رو این پاسخ‌ها به عنوان ابزاری عمل می‌کنند که به وسیله‌ی آن، افراد نایمن عواطف ناخوشایند یا نامطلوب را طوری تنظیم می‌کنند که احتمال نیاز به ارتباط و دیدار با طرف مقابل را کاهش می‌دهد (پیستول و آریکل، ۲۰۰۳). به طور ویژه افراد با سبک دل‌بستگی اجتنابی در تعارضات سلطه‌جویانه برخورد می‌کنند و تمایل دارند هر چه سریع‌تر بحث را خاتمه دهند (کریزی و لید، ۲۰۰۵). شی^۴ (۲۰۰۳) دریافت افراد اجتنابی به خاطر تقلیل ناراحتی و خاتمه دادن به گفتگو، تمایل دارند تسلیم خواسته‌های همسر شوند.

از طرف دیگر افرادی که نمرات پایینی در سبک‌های اضطرابی و اجتنابی کسب می‌کنند و سبک‌های دل‌بستگی ایمن دارند به شیوه‌ای موثر تعارض خویش را به بحث می‌گذارند و به ندرت تعارض را تهدیدی مستقیم برای خود یا رابطه‌شان می‌دانند (کولینز و همکاران، ۲۰۰۴؛ پیستول و آریکل^۵، ۲۰۰۳). افراد دارای سبک دل‌بستگی ایمن راهبردهای سازنده‌ی مدیریت تعارض را به اشتراک می‌گذارند (کریزی و لید، ۲۰۰۵؛ پیستول و آریکل، ۲۰۰۳). در واقع مهارت زوجین در مدیریت تعارض به آنها کمک می‌کند اختلافات خود را طی تعاملات مثبت حل و فصل کنند و از به وجود آمدن مقاومت‌ها و کنارگیری‌های مزمن که گاتمن از آن به عنوان دیوارسنگی یاد می‌کند، جلوگیری کنند. گاتمن (۱۹۹۹) بیان می‌دارد سبک تنظیم شده و مثبت مدیریت تعارض، فضایی را به وجود می‌آورد که طی آن زوجین یک رابطه‌ی رضایت‌آمیز و باثبات را تداوم می‌بخشند که این امر از طریق به‌کارگیری راهبردهایی برای دوری گزیدن از تعارض مخرب و پرداختن به تعاملات مثبت روی می‌دهد. اهمیت عامل مدیریت تعارض به عنوان عامل واسطه‌ای در رسیدن به رضایت زناشویی موقعی برجسته‌تر می‌شود

¹. Pistole & Arricale

². Creasy & Ladd

³. Kershaw & Boston

⁴. Shi

⁵. Pistole & Arricale

که بدانیم این عامل حتی در افراد اجتنابی که عموماً در تبیین‌های خطی رضایت زناشویی پایینی برایشان متصور است، نقش تسهیل‌گری خود را نمایان می‌سازد. به این شیوه که افراد اجتنابی وقتی که در مسائلی با همسران خویش اختلاف نظر دارند عدم پرداختن به آن و دوری از مشاجره را پیشه می‌کنند این خود می‌تواند رفتارهای منفی تعارض از جمله سرزنش‌گری، تحقیر و تنبیه را حذف کند. باسی و همکاران (۲۰۰۱) با تأسی از مدل آبشار گاتمن در مورد رابطه‌ی زناشویی نظر می‌دهند زوج‌های اجتنابی ترجیح می‌دهند تا از طریق توافق بر «عدم توافق» تعارض را تا حدّ ممکن کاهش دهند.

نتایج پژوهش کنونی این فرضیه را که عامل ارتباط می‌تواند رابطه سبک‌های دل‌بستگی و رضایت زناشویی را میانجی کند، تأیید نمود. مسیر سبک دل‌بستگی اجتنابی با $-0/24$ و دل‌بستگی اضطرابی با $-0/09$ به رضایت زناشویی از خلال عامل ارتباط معنادار است. بر این اساس همسرانی که در دامنه‌ی انتهایی پروفایل سبک‌های نایمن (اجتنابی و اضطرابی) قرار می‌گیرند، روابط شکننده‌تری داشته و رضایت زناشویی آنها نقصان می‌پذیرد. همسو با نتایج این پژوهش، پژوهشگرانی (از جمله فینی و نولر، ۱۹۹۰؛ دیویس^۱ و همکاران، ۱۹۹۹؛ ماتویس^۲، ۲۰۱۰؛ عارفی، ۱۳۸۳) نتیجه‌گیری کردند بزرگسالان با سبک‌های دل‌بستگی اجتنابی و اضطرابی از روابط صمیمانه اجتناب می‌کنند. پژوهشگران بر این باورند کسانی که در روابط صمیمانه‌ی خود با همسر موفق می‌شوند از مهارت‌های ویژه‌ی همچون برقراری ارتباط مؤثر برخوردارند (کارنی^۳ و برادبوری، ۲۰۰۲). مطالعات کاستن^۴ (۲۰۰۴)، نشان می‌دهد که ارتباط کلامی مثبت به‌طور هم‌زمان هم‌بستگی مثبتی با رضامندی زناشویی دارد و ارتباط کلامی منفی، نشانه و آغاز آشفتگی زوجین است (کاستن، ۲۰۰۴). نتایج پژوهش حاضر نشان داد عامل ارتباط به خوبی رابطه‌ی سبک دل‌بستگی و رضایت زناشویی را میانجی می‌کند بر این اساس می‌توان گفت به همان اندازه که زوج‌ها دل‌بستگی ایمن‌تری داشته باشند، به دیگران بیشتر اعتماد می‌کنند و می‌توانند احساسات خود را به خوبی در روابط صمیمی ابراز کنند. کسیدی (۱۹۹۶)، نقل شده در ازمن و اتیک^۵، (۲۰۱۰) در بحث هم‌بستگی ارتباط و سبک دل‌بستگی ایمن در بزرگسالی معتقد است افراد دارای دل‌بستگی ایمن از روابط موزون و رضایت‌بخش و توأم با صمیمیت طولانی‌تر برخوردارند. طبیعی است داشتن چنین روابطی به رضایت زناشویی منجر می‌شود. همسو با نتایج حاضر پژوهش‌ها تأیید کردند ارتباط مؤثر عاملی بنیادی در ازدواج‌های شاد و پایدار است (کاریر^۶ و گاتمن، ۱۹۹۹؛ گاتمن و لونسون، ۱۹۹۲؛ راجی و برادبوری^۷، ۱۹۹۹).

نتایج پژوهش حاضر نشان داد سبک‌های دل‌بستگی اجتنابی می‌تواند به‌طور مستقیم بر رضایت زناشویی (منفی) اثر بگذارد. این یافته همسو با نتایج پژوهش‌های ازمن و اتیک (۲۰۱۰)؛ فینی، (۱۹۹۴) می‌باشد. باسی^۸ و

1. Davies

2. Matthews

3. Karney

4. Casten

5. Özmen, & Atik

6. Carr`ere

7. Rogge & Bradbury

8. Busby

همکاران (۲۰۰۱) بحث می‌کنند افرادی که به راحتی صمیمی می‌شوند و کمترین اضطراب را در روابط خویش تجربه می‌کنند، رضایت زناشویی بیشتری را گزارش کرده‌اند.

به طور کلی از نتایج پژوهش حاضر می‌توان این‌گونه استنباط نمود مدل مفهومی پژوهش حاضر در بوته‌ی عمل به خاطر تبیین واریانس قابل ملاحظه‌ی متغیر وابسته به خوبی توانست به شیوه‌ای سازگارانه به مدل‌های پیشین این حوزه بپیوندد. مدلی مفهومی هولمن (۲۰۰۲) برای عوامل پیش‌بین رضایت زناشویی چهار دسته عوامل (۱) عوامل خانوادگی اصلی، (۲) خصیصه‌های فردی، (۳) فرایندهای تعامل زوجی و (۴) شبکه و بافت اجتماعی پیشنهاد می‌کند که مدل فعلی سه مورد از این عوامل را منظور کرد. مدل دیگری که پژوهش کنونی توانست به تأیید و غنای آن بیفزاید، مدل مکی و ابرین (۱۹۹۵) است. مدل اخیر از میان فرایندهای تعامل زوجی بر (الف) تحدید تعارض، (ب) تصمیم‌گیری مشارکتی، (ج) کیفیت ارتباط، (د) صمیمیت جنسی و روان‌شناختی، و (ه) ارج نهادن به اعتماد، احترام، درک هم‌دلانه و مساوات، تأکید دارد. روابط مستقیم و قوی سه فرآیند ارتباط، مدیریت تعارض و صمیمیت جنسی با رضایت زناشویی نشان می‌دهد که این سه فرآیند به خوبی از میان ترکیبات گوناگون فرایندهای تعاملی در دیگر پژوهش‌ها انتخاب شده‌اند.

هر چند سبک‌های دل‌بستگی، توانستند مسقیماً میزانی از واریانس رضایت زناشویی را تبیین کنند؛ این سبک‌ها عموماً عواملی ایستا و پایدار هستند که در گذشته شکل گرفته و اثرات آنها هر چند وجود دارد ولی عملاً قابل دست‌کاری نبوده و یا دست کم با مداخلاتی زمان‌بر تعدیل یا تغییر می‌کنند. اما متغیرهایی همچون مهارت ارتباط، مدیریت تعارض و صمیمیت جنسی به سبب ماهیت دینامیک، ناپایدار و آموزش‌پذیر خویش قابل دست‌کاری و تغییر هستند. تأیید نقش واسطه‌گری این فرایندها در بیشتر موارد در مدل پیشنهادی، این نوید را می‌دهد که مشاوران حوزه‌ی ازدواج و خانواده به جای تمرکز صرف بر عوامل ثابت، می‌توانند در مداخلات خویش بر بهبود الگوهای ارتباطی، آموزش و تصحیح سبک‌های حل تعارض و آموزش مؤلفه‌های صمیمیت جنسی زوجین تأکید کنند.

در مواردی که سبک‌های دل‌بستگی زوجین زمینه‌ساز کاهش رضایت زناشویی است، پیشنهاد می‌شود درمان‌گران ضمن بینش‌افزایی به زوجین در مورد سبک دل‌بستگی غالب آن‌ها، در زمینه‌ی بهبود مهارت ارتباط بین فردی، شیوه‌های درست مدیریت تعارض و به‌ویژه صمیمیت جنسی و روان‌شناختی را به همسران آموزش دهند. باتوجه به نفوذ قوی عامل دل‌بستگی در سازگاری و رضایت زناشویی، پیشنهاد می‌شود در مشاوره‌های پیش از ازدواج در برخوردی پیش‌گیرانه و آینده‌نگر، در مصاحبه‌های تشخیصی تجارب کودکی، به‌ویژه روابط والد فرزندی مورد توجه قرارگیرد این مهم به‌ویژه در مورد کسانی که تجارب دردناکی چون فوت مادر در کودکی، طلاق و یا نابسامانی‌های شدید خانوادگی را تجربه کرده‌اند، ضروری‌تر می‌نماید. در تشخیص سبک دل‌بستگی استفاده از ابزارهای دیگری مانند مصاحبه‌های نیمه ساختار سنجش سبک دل‌بستگی بهتر خواهد بود.

نتایج این پژوهش مشخصاً به مشاوران خانواده و ازدواج کمک خواهد کرد تا با آموزش مهارت‌های ارتباط بین فردی، مدیریت تعارض و صمیمیت‌افزایی جنسی برای ارتقای کیفیت زندگی زناشویی و رضایت زناشویی عمل کنند. طراح‌ی مدل‌هایی با متغیرهای پیش‌بین و واسطه‌ای مشابه برای پیش‌بینی طلاق و تعارضات زناشویی مفید خواهد بود. یکی از محدودیتهای پژوهش حاضر تعدد پرسش‌نامه‌ها به خاطر وجود چندین متغیر بود. هر چند در بیشتر موارد از پرسش‌نامه‌های کوتاه استفاده شد ولی با این وجود تعدد سؤال‌ها ممکن است باعث

خستگی شرکت کنندگان شده باشد. متغیرهای کنترلی هم‌چون وجود فرزند، ازدواج اول و کرمانشاهی بودن ما را در تعمیم نتایج به دیگر جامعه‌ها محدود می‌کند و در این باره باید احتیاط کرد.

منابع

ایازی، زهرا (۱۳۸۲). بررسی ارتباط تجربه‌ی ارگاسم با رضایت از رابطه‌ی زناشویی در خانم‌های مراجعه کننده به مراکز بهداشتی-درمانی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی تهران.

ثنایی، باقر (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده، انتشارات بعثت، تهران.

حسینی نسب سیدداوود، بدری گرگری رحیم و قائمیان اسکویی آيسان. (۱۳۸۸). رابطه‌ی ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های حل تعارض بین فردی با سازگاری زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. فصلنامه‌ی تحقیقات مدیریت آموزشی زمستان؛ ۱(۲)، ۵۷-۷۸.

دیباچی فروشانی، فاطمه سادات، امامی پور، سوزان و محمودی، غلامرضا (۱۳۸۸). رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی و راهبردهای مدیریت تعارض با رضایت زناشویی. مجله‌ی اندیشه و رفتار، ۳(۱۱)، ۱۰۱-۸۷.

فیروزی، منیژه (۱۳۸۰). بررسی رابطه‌ی سبک دل‌بستگی زوجین و سازش روان‌شناختی با ناباروری. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.

عارفی، مختار (۱۳۸۳). رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی با کیفیت دوستی نوجوانان کرمانشاهی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلّم تهران.

سایت سازمان ثبت احوال. (۱۳۹۰). <http://www.sabteahval.ir/default.aspx?tabid=1436>.

Abraham, G., Bruyne, T. (2000). Conflict management style and marital satisfaction. *Journal of sex and marital therapy*, 26(4). 321-334.

Birnbaum, G. E., Reis, H. T., Mikulincer, M., Gillath, O., & Opraz, A. (2006). More than just sex: Attachment orientations, sexual experience, relationship quality. *Journal of Personality and Social Psychology*, 91, 943.

Black, D. S., Sussman, S., & Unger, J. B. (2010). A Further Look at Intergenerational Transmission of Violence: Witnessing Interparental Violence in Emerging Adulthood. *Journal of Interpersonal Violence*, 25, 1022-1042.

Brennan, K. A., Clark, C. L., & Shaver, P. R. (1998). Self-report measurement of adult attachment: An integrative overview. In L. A. Simpson & W. S. Rholes (Eds.), *Attachment theory and close relationships* (pp. 46-76). New York: Guilford Press.

- Busby, D. M., Taniguchi, N., and Holman, T. B.(2001). RELATE: elatior Evaluation of the Individual, Family,Cultural, and Couple Contexts, *Fa Relations*, 50, 308–316.
- Carr`ere, S., & Gottman, J. M. (1999). Predicting divorce among newlyv from the first three minutes of a marital conflict discussion. *Family Pro* 38, 293–301.
- Casten, M. K.(2004).Marital Functioning and Communication in a cli Sample of social Anxiety Disorder clients.of Drexel university.
- Collins, N. L. (2008). Working models of attachment: Implications explanation,emotion, and behavior. *Journal of Personality and S Psychology*, 71, 810- 832.
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and S Psychology*, 58, 644–663.i
- Collins, N. L., Guichard, A. C., Ford, M. B., & Feeney, B. C. (2004). Wor models of attachment: New developments and emerging themes. In S Rholes and J. A. Simpson (Eds.), *Adult attachment: Theory, research, clinical implications* (pp. 196-239). New York: Guilford.
- Creasey, G., & Hesson-Mc Innus, M. (2001). Affective responses, cogn appraisals , and conflict tactics in late adolescent romantic relations: associations with attachment orientation. *Journal of Counseling Psycho* 48, 85-96.
- Creasey, G., & Ladd, A. (2004). Negative mood regulation expectancies conflict behaviors in late adolescent college student romantic relations: The moderating role of generalized attachment representations. *Journ Research on Adolescence*, 14(2), 235-255.
- Creasey, G., & Ladd, A. (2005). Negative mood regulation expectancies conflict behaviors in late adolescent college student romantic relations: The moderating role of generalized attachment representations. *Journ Research on Adolescence*, 14(2), 235-255.
- Davies, S., Katz, J., & Jackson, J. L. (1999). Sexual desire discrepancies: Effect sexual and relationship satisfaction in heterosexual dating couples. *Arcl of Sexual Behavior*, 28, 553–567.
- Feeney, J. A. (2000). Attachment, marital interaction, and relator satisfaction: A diary study. *Personal Relationships*, 9, 39-55.
- Feeney, J. A., & Noller, P. (2004). Attachment and sexuality in c relationships. In J. H. Harvey, A. Wenzel,& S. Sprecher (Eds.), *The handl*

- of sexuality in close relationships (pp. 183–201). Mahwah, NJ: Erlb Associates.
- Feeney, J., Noller, P., & Callan, V. (1999). Attachment style, communication, satisfaction in the early years of marriage. *Advances in Pers Relationships*, 5, 269-308.
- Gottman, J. M., & Gottman, J. S. (1999). The marriage survival kit: A research based marital therapy. In R. Berger & H. Therese (Eds.), *Preventive approaches in couples therapy*, 26, 304-330.
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (1992). Marital processes predictive of dissolution behavior, physiology, and health. *Journal of Personality Social Psychology*, 63, 221–233.
- Gottman, J. M.,. (1999). The marriage survival kit: A research-based marital therapy. In R. Berger & H. Therese (Eds.), *Preventive approaches in couples therapy* (pp. 304-330). Philadelphia: Brunner/Mazel.
- Gottman, J.M. (1994). What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes. Hillsdale, N.J.: Erlbaum.
- Gottman, J.M., & Levenson, R.W. (2000). The timing of divorce: Predicting when a couple will divorce over a 14-year period. *Journal of Marriage and Family*, 62, 737-745.
- Holman, T. B. (2002). *Premarital prediction of marital quality or break Research, theory, and practice*. New York: Kluwer Academic/Plenum.
- Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2002). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, method, and research. *Psychological Bulletin*, 118, 3-34.
- Kobak, R. R., & Duemmler, S. (1994). Attachment and conversation: Toward a discourse analysis of adolescent and adult security. *Advances in Pers Relationships*: 5. 121-149.
- Kurdek, L. A. (1997). Relation between neuroticism and dimension: relationship commitment: Evidence from gay, lesbian, and heterosexual couples. *Journal of Family Psychology*, 11, 109-124.
- Kurdek, L.A. (1995). Predicting change in marital satisfaction from husbands and wives conflict resolution styles. *Journal of Marriage and Family*, 153-164.
- Larson, J. H., & Holman, T. B. (1994). Predictors of marital quality and stability. *Family Relations*, 43, 228–237.

- Lewis, R. A., & Spanier, G. B. (1979). Theorizing about the quality and stability of marriage. In W. R. Burr, R. Hill, F. I. Nye, & I. L. Reiss (Eds.), *Contemporary theories about the family*. 2., 268–294.
- Mackey, R. A., & O'Brien, B. A. (1995). *Lasting marriages: Men and women growing together*. Westport, CT: Praeger.
- Marion, M. (1995). *Guidance of young children* (4th ed.). Englewood Cliffs: Prentice-Hall.
- Markman, H. J. (1991). Constructive marital conflict is NOT an oxymoron. *Behavioral Assessment*, 13, 83-96.
- Matthews, S. U. (2010). *Adult attachment styles: relationships with marital and sexual satisfaction. A Thesis presented to the Department of Social Work at California State University, Long Beach*.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). Attachment theory and affect regulation: The dynamics, development, and cognitive consequences of attachment-related strategies. *Motivation and Emotion*, 27, 77-102.
- Noller, P., & Feeney, J. A. (1994). Relationship satisfaction, attachment, and nonverbal accuracy in early marriage. *Journal of Nonverbal Behavior*, 18, 199-221.
- Özmen, O., & Atik, G. (2010). Attachment styles and marital adjustment in Turkish married individuals. *Procedia Social and Behavioral Sciences* (2010) 367–371.
- Pistole, M. C., & Arricale, F. (2003). Understanding attachment: Beliefs about conflict. *Journal of Counseling and Development*, 81, 318-328.
- Rogge, R. D., & Bradbury, T. N. (1999). Till violence do us part: The different roles of communication and aggression in predicting adverse marital outcomes. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 67, 340–351.
- Rosen -Grandon, J. R., & Myers, J. E. & H a t t i e. (2004). relationship between marital characteristics, marital interaction processes and marital satisfaction. *Journal of Counseling & Development*. 68(82), 147-158.
- Shaver, P. R., Hazan, C., & Bradshaw, D. (1988). Love as attachment: integration of three behavioral systems. In R. J. Sternberg & M. Bauserman (Eds.), *The psychology of love*, 68–99.
- Shi, L. (2003). The association between adult attachment styles and conflict resolution in romantic relationships. *The American Journal of Family Therapy*, 31, 143-157.

- Simpson, J., Rholes, W., & Phillip, D. (1996). Conflict in close relationships attachment perspective. *Journal of Personality and Social Psychology* 899- 914.
- Simpson, J., Rholes, W., & Phillips, D. (1996). Conflict in close relationships attachment perspective. *Journal of Personality and Social Psychology* 71(5), 899-914.
- Smith, D. A., Vivian, D., & O’Leary, K. D. (1990). Longitudinal prediction marital discord from premarital expressions of affect. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 58, 790-800.
- Spanier, G. B. (1976). Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing quality of marriage and similar dyads. *Journal of Marriage and the Family* 38, 15–28.
- Spanier, G. B. (1989). Dyadic Adjustment Scale manual. New York: Multi-Health Systems.
- Spanier, G. B., & Lewis, R. A. (1980). Marital quality: A Review of the seven years. *Journal of Marriage and the Family*, 42, 825–840.
- Sprecher, S., & Cate, R. (2004). Sexual satisfaction and sexual expression as predictors of relationship satisfaction and stability. In J. H. Harvey, Wenzel, & S. Sprecher (Eds.), *The handbook of sexuality in intimate relationships* (pp. 235–256). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Treboux, D., Crowell, J. A., & Waters, E. (2004). When new meets old: Configurations of adult attachment representations and their implications for marital functioning. *developmental psychology*, 40(2), 295-314.
- Wei, M., Russell, D. W., Mallinckrodt, B., & Vogel, D.L. (2007). The experience in close relationship scale (ECR)-short form: Reliability, Validity, and Factor Structure. *Journal of Personality Assessment*, 88, 187-204
- White, L. K. (1994). Growing up with single parent and stepparents: Long-term effects on family solidarity. *Journal of Marriage and the Family*, 56, 948.
- White, L. K. (1994). Growing up with single parent and stepparents: Long-term effects on family solidarity. *Journal of Marriage and the Family*, 56, 948.